



## نگاهی به مقام حضرت زینب (س)

## نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 1

سخن ناشر

باسمه تعالی

آنچه انسان را در مسیر پر فراز و نشیب زندگانی از نابسامانی‌ها محفوظ می‌دارد و موجب سعادت و سرفرازی و سربلندی او در امتحانات الهی می‌شود، پژوهش پیرامون علوم الهی و معارف اسلامی و پوشاندن جام عمل به دستورات بلند ربانی می‌باشد.

در این خصوص، دستیابی به حقیقت معارف الهی و آشنایی با جایگاه حساس و ویژه آن‌ها در حیات انسانی، ضروری احساس می‌شود.

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان، در راستای اهداف الهی خود، این بار افزون بر استفاده از مطالب پربار و عالمان دانشمند محقق حضرت استاد حسین انصاریان، با انتشار گلچینی از متن سخنرانی‌های معظم له، از بیان پر حرارت و جذاب

## نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 2

سخنرانی‌های استاد نیز تشنگان معارف سراسر نور ائمه اطهار: را بی‌نصیب نگذاشته و بدون خارج ساختن متن سخنرانی از قالب گفتاری آن، باب دیگری را برای استفاده از معارف آل‌الله: و سیراب گشتن از این چشم پرفیض باز نموده است. امید که با عنایات خاص اهل بیت عصمت و طهارت: بیش از پیش بتوانیم از زمزم معارف آن ذوات مقدس سیراب گردیم.

مرکز علمی تحقیقاتی دارالعرفان الشیعی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلوه و السلام على سيد الانبياء و المرسلين حبيب الهنا

### نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 3

وطيب نفوسنا ابي القاسم محمد صلى الله عليه و على اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين المكرمين

#### قانون وراثت و حضرت زینب (س)

از قانونی بحث می‌کنم که نزد دانشمندان به عنوان قانون وراثت شناخته می‌شود. بر اساس این قانون، اوصاف، خصال، طبیعیات و واقعیات پدران و مادران به وسیله يك سلسله عوامل و ابزار، به فرزندان آنها منتقل می‌شود و هیچ انسانی هم از این قانون وراثت مستثنی نیست؛ نسل به نسل، همه انسان‌ها تحت تأثیر قانون وراثت هستند. دانشمندان امروز جهان، این عقیده را دارند که این خصال و اوصاف به وسیله عنصر بسیار پیچیده‌ای به نام «ژن»، به فرزندان منتقل می‌شود.

### نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 4

از شگفتی‌ها است که پیغمبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) در چهارده قرن قبل، در ضمن يك حادثه جالب، به این حقیقت اشاره فرموده‌اند. زن و شوهر جوان سفیدپوستی وقتی که خداوند مهربان به آنها فرزندی عنایت می‌کند، شوهر می‌بیند این فرزند، سیاه‌پوست است. با اعتماد و اطمینانی که او به همسرش داشت و او را زنی پاکدامن، با عفت و باتقوا می‌دانست، خیلی برایش شگفت‌آور بود که چرا فرزند آنها سیاه‌چهره به دنیا آمده است. این شد که او فرزندش را به بغل گرفته و به مسجد می‌رود و به محضر رسول‌خدا (ص) مشرف شده و به ایشان عرض می‌کند، من سفیدپوستم و همسر هم سفیدپوست است، ولی بچه‌مان سیاه‌چهره است. رسول خدا (ص) به او اطمینان صددرصد می‌دهد که این طفل از تو و از همسر تو است، اما در نطفه همه انسان‌ها يك عنصری هست به نام «عرق»، و بعد فرمودند: «هَذَا نَزْعُهُ عِرْقِي» (این از جا برکندن ریشه و اصلی است). ای مرد! بدان یقیناً این «عرق» انتقال‌دهنده اوصاف، خصایل

### نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 5

و روحيات گذشتگان است به آیندگان، و قطعاً در پدران گذشته تو، یا در پدران گذشته همسرت، يك مرد و يا يك زن، سیاه‌پوست بوده و این «عرق»، این سیاهی را از آنها منتقل کرده است و از بچه تو این رنگ ظهور یافته و آشکار شده

است. بنابراین، نگران نباش و مطمئن باش و یقین داشته باش که این طفل، طفل شماس است. «1» این قانون وراثت می‌باشد که برای دانشمندان هم ثابت شده است. البته، اگر آنها هم در این زمینه کشفی نداشتند، برای ما مسلمان‌ها این مسأله، مسأله ثابت شده‌ای بود؛ چون علاوه بر روایات ما، در آیات قرآن مجید هم اشاره به این معنا را داریم؛ خداوند متعال درباره ذریه انبیای خود همین مطلب را تلویحاً بیان فرموده است: «ذُرِّيَّةٌ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ» «2»: آنان در کرامت، و در شرافت، و در آقایی، و در اخلاق، و در اوصاف، و در صفات،

---

(1) صحیح بخاری، ج 8، ص 31.

(2) آل عمران: 34.

### نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 6

وصل به یکدیگر و از یکدیگر بوده و يك حقیقت هستند. از ابراهیم (ع) اوصافش به اسماعیل (ع) منتقل شده و از اسماعیل (ع) نیز این اوصاف به نسلش انتقال یافته است، و از نسلش، به پیغمبر (ص) و ائمه طاهرين: منتقل شده است.

در کتاب‌های لغت هم نوشتند، عرقی که پیغمبر اکرم (ص) فرموده: «فَأَنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ»: ریشه و اصل، در پنهانی و به نازکی و باریکی بسیار دخالت کننده است «1»، معنای آن این است که پدران و مادران، اوصاف خود را به اولادشان انتقال می‌دهند.

نتیجه سخن تا این جا، این است که در يك مرحله، باید از نظر قانون وراثت، درباره وجود مبارك زینب کبری (س) بحث کرد و گفت، زینب کبری (س) بر اساس این قانون، جلوه ذخیره‌های عظیم معنوی چهار شخصیت است؛ یعنی وجود مقدس او، خورشیدی است که از افق

---

(1) جلال‌الدین سیوطی، الجامع الصغیر، ج 1، ص 505.

## نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 7

گنجینه‌های شخصیتی چهار خزان ارزش‌های پروردگار مهربان عالم، طالع شده است. خزینه اول، وجود مبارک امیرمؤمنان (ع) بوده و خزینه دوم، وجود مبارک فاطمه (س) است که بنا بر تأویل ائمه طاهرین: که راسخان در علم هستند و تأویل قرآن پیش آن‌هاست: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» «1»، پروردگار عالم، از وجود مبارک امیرمؤمنان (ع) و حضرت زهرا (س)، به دو دریا تعبیر کرده است که لؤلؤ و مرجان از این دو دریا ظهور می‌کند: «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ. بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ. فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ. يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ» «2». امیرمؤمنان (ع) از دیدگاه خدا يك دریا است، ولی دریایی است که اول دارد، ولی

---

(1) 1. آل عمران: 7.

(2) 2. رحمن: 19-22.

## نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 8

آخر ندارد. فرق ایشان با خدا همین است که خدا اول ندارد و آخر هم ندارد. امیرمؤمنان (ع) اول دارد، ولی پایان ندارد. در ارزش‌ها، حضرت زهرا (س) هم اول دارد، ولی پایان ندارد. در ارزش‌ها، مجموعه عناصر شخصیتی امیرمؤمنان و حضرت زهرا 8، شخصیت زینب کبری (س) را تشکیل داده است، و دو خزان دیگر وجود مقدس حضرت زینب (س) هم یکی وجود مبارک رسول خداست که پدر مادر زینب کبری (س) می‌باشد، و یکی هم خدیجه کبری (س) است که مادر مادر زینب کبری (س) می‌باشد.

از سخن حضرت علی (ع) در خطبه 192 نهج البلاغه برمی‌آید که حضرت خدیجه (س) اولین زنی است که اسلام آورده، و در روایات چنین بیان شده که آن حضرت اولین زن در عالم است که در قیامت، قدمش به بهشت می‌رسد.. «1» خدیجه کبری (ع) کسی

---

(1) 1. قندوزی، ینایع الموده ذوی القربی، ج 1، ص 469.

### نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 9

است که پیغمبر اکرم (ع) تا آخر عمرشان نسبت به یاد او بی توجه نبودند و همیشه که صحبت از خدیجه کبری (س) می شد، پیغمبر (ص) از او تعریف می کردند «1» و در روایات ما آمده که هنگام مرگ خدیجه (س)، جبرئیل (ع) نازل شد و رضایت خدا را از خدیجه کبری (س) به پیغمبر (ص) اعلام کرد. این مجموعه ارزش های وجود پیغمبر، خدیجه، امیرمؤمنان و فاطمه زهرا:، یکجا در زینب کبری (س) طلوع کرده است. بر اساس قانون وراثت، وقتی زینب به دنیا آمد، قنطاق مبارکش را که به دست رسول خدا (ص) دادند، در اولین باری که پیغمبر (ص) به او نظر انداخت، فرمودند: هر چشمی در این دنیا برای این دختر گریه کند، ارزش گریه او، مساوی با گریه بر حسن و حسین 8 است؛ یعنی يك قطره اشك برای زینب کبری (س)، مساوی است با گریه کردن بر دو امام معصوم 8. فرمودند، ثواب گریه بر این دختر،

---

(1) 1. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 13.

### نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 10

مساوی گریه بر اباعبدالله (ع) است، بلکه فرمودند گریه بر او، مساوی است با گریه بر دو امام معصوم 8؛ یعنی اگر در قیامت، گریه بر حضرت مجتبی (ع) که درباره آن پیغمبر (ص) فرمود: هر کس برای حسن من گریه کند، قیامت که هم چشم ها گریان است، چشم او گریان نخواهد بود، و گریه بر اباعبدالله (ع) که سبب شفاعت، رحمت و مغفرت است، این دو گریه را اگر در يك کف ترازو بگذارند و گریه بر زینب کبری (س) را در يك کف دیگر، با هم مساوی می شود.

دانش زینب کبری (س)

اما درباره دانش زینب کبری (س)، امام (ع) درباره حضرت زهرا (س) و دانش آن حضرت يك نظر دارند، و وجود مبارك زين العابدين (ع) هم درباره عمه‌شان حضرت زینب کبری (س)، از نظر دانش و بینش، يك نظر دارند. امام باقر (ع) می‌فرماید: این که اسم مادر ما را «فاطمه» گذاشتند، بی‌علت،

### نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 11

بی‌جهت، بی‌سبب و بی‌دلیل نبوده است. علت آن این است که پروردگار عالم در دنیای معنا به مادر ما خطاب کرده: «فَطَمْتُكَ بِالْعِلْمِ». «1» «فطم»؛ یعنی قطع کردن، جدا کردن. لغت «فطم»، به معنای بریدن است. معنای حدیث چنین می‌شود: فاطمه (س) را فاطمه می‌گویند، به علت این که خدا به او فرمود: من با پرکردن تو از علم خودم، تو را و قلبت را از علوم هم زمینیان بریدم و نگذاشتم تو در دانش و بینش، نیازمند علوم بشری بشوی.

و دانش زهرا (س) دانشی الهی است. کنار بازار کوفه، وقتی زینب کبری (س) خطبه خواندند و حادثه کربلا را تحلیل کردند و مردم را به آن گناه بی‌ظیرشان آگاه کردند، زین‌العابدین (ع) کنار محمل عمه خود، خدا را شکر کردند و فرمودند: عمه جان! من پروردگار عالم را شکر می‌کنم و سپاسش را می‌گویم که الحمدلله تو تعلیم دیده بدون

---

(1) 1. شیخ کلینی، کافی، ج 1، ص 460.

### نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 12

معلم بشری هستی «1»، و این دریای دانشی که در وجود تو موج می‌زند، مستقیماً الهی و خدایی است، همان‌طوری که خداوند از دانش بیکرانیش در قلب مادرش زهرا (س) قرار داد، از دانش بیکرانیش در قلب مطهر زینب کبری (س) قرار داد و این سابقه هم داشت، نه این که اولین بار بوده است. این که عنایت خدا بر يك انسان، کامل جلوه کند، ما در قرآن مجید درباره دو نفر صریحاً می‌بینیم که خداوند متعال در ایام کودکی آنها، دانش خود را در ظرف قلب آنان ریخته است: یکی مسیح که در متن قرآن است که در گهواره، در روز اول تولد، به یهودیانی که به مادرش مریم (س) گفتند: «مَا كَانَ أَبُوكَ امْرَأً سَوًّا وَ مَا كَانَتْ أُمُّكَ بَعِيًّا» «2»: مریم! پدرت که آدم بدی نبود و مادرت که زن پاکدامنی بود، شما هم که شوهر نکردید، پس این بچه را از کجا آوردی؟ مریم (س) اشاره به گهواره



---

(1) 2. طبرسی، احتجاج، ج 2، ص 31.

(2) 1. مریم: 28.

### نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 13

کرد. آن جمع یهودی گفتند: «كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا» «1»: شما اشاره به گهواره می کنید، بچه یکروزه که حرف نمی زند که از میان گهواره صدا بلند شد: «إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا» «2». خود کتاب، علم است. پروردگار عالم کراراً در قرآن مجید از تورات، انجیل و قرآن تعبیر به علم کرده است: «مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ». «3» همه تورات را قرآن می گوید، علم. همه انجیل را می گوید، علم: «آتَانِي الْكِتَابَ»: خدا علم به من داده، «وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا»: و مقام نبوت را به من داده است. مقام نبوت که همراه با تاریکی، ظلمت و جهل که نیست؛ علم است؛ علم خدایی که بچه یکروزه در گهواره را؛ چنان که قرآن می گوید، خزانة علم قرار می دهد.

---

(1) 2. مریم: 29.

(2) 1. مریم: 30.

(3) 2. آل عمران: 19.

### نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 14

همان خدا بدون معلّم بشری، زینب کبری (س) را خزان علم بشری قرار می دهد. چنان که گفتیم، بنا به نقل قرآن کریم، این کار يك بار برای حضرت مسیح (ع) اتفاق افتاده است. یا درباره یحیی (ع) می فرماید: «وَ آتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا» «1»: ما مقام نبوت و حکمت را در حالی که یحیی (ع) بچه سه و چهار ساله بود، به او عنایت کردیم. این متن قرآن است. پس

این بار دوم است که این اتفاق به وسیله خدا افتاده است. چه مانعی دارد که همین اتفاق برای حضرت زهرا (س) هم افتاده باشد؟ چه مانعی دارد که همین ماجرا برای زینب کبری (س) هم اتفاق افتاده باشد؟ این اتفاق، نشانگر کمال آن‌هاست؛ نشانگر عظمت روحی آن‌هاست. نشانگر ارزش‌های انتقال یافته از امیرمؤمنان، حضرت زهرا، پیغمبر و خدیجه کبری؛ در وجود مبارک اوست. قلب به پروردگار اتصال داشته و از طریق این اتصال، علم خداوند در این خراشه با عظمت سرازیر شده است.

---

(1) 1. مریم: 12.

نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 15

او این علم را حبس نکرد؛ چرا که اهل بیت: طبق آیات قرآن، در همه امور اهل انفاق بودند: «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَ اتَّقَى. وَ صَدَّقَ بِالْحُسْنَى. فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى». «1» «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى»، چه چیزی را بخشش کرد؟ مال، آبرو، قدرت، دانش، شخصیت، زبان، قلم و قدم در تمام نعمت‌هایی که خداوند به اهل بیت: عنایت کرده بود، آن‌ها اهل انفاق بودند. در هیچ زمینه‌ای در وجود اهل بیت: بخل وجود نداشت. زینب کبری (س) در دوره عمرش سه کلاس تشکیل داد، ولی با کمال تأسّف از این سه کلاس، چیزی باقی نمانده است. حیف از آن کلاس‌ها و حیف از بی‌توجهی شاگردان آن کلاس‌ها. یکی از این کلاس‌ها که زینب کبری (س) مخصوص خانم‌ها تشکیل دادند، کلاس تفسیر قرآن بود، و ای کاش! بخشی از تفسیری که زینب کبری (س) فرموده بود، به دست

---

(1) 1. لیل: 5- 7.

نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 16

ما رسیده بود تا به وسیله زینب کبری (س) ما با عمق آیات قرآن آشنا می شدیم. لغت «تفسیر»، به معنای پرده برداری است. زینب کبری (س) به عنوان تفسیر قرآن، پرده از آیات قرآن برداشتند و عمق آنها را برای مردم بیان کردند. این انسان عالم، این انسان بصیر، این انسان با بینش، شاید نزدیک چهار سال برای زنان مدینه و کوفه قرآن گفت؛ حقایق قرآن را بیان کرد؛ تفسیر آیات را بیان نمود، ولی آنها را ننوشت. چیزی از این تفسیر باقی نمانده است. این توصیف يك کلاس او بود. قرآن در خانه آنها نازل شده و کسی مانند آنها، عمق قرآن مجید را نمی داند. او فرزند پدری بود که اهل تسنن در کتاب بسیار با ارزش ینابیع الموده خودشان «1»، نقل می کنند که ابن عباس می فرماید، من پیش امیرمؤمنان (ع) تفسیر قرآن

---

(1)\*. این کتاب، کتابی واقعاً با ارزش است که اخیراً توسط انتشارات اسوه در سه جلد به طبع رسیده است.

### نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 17

می خواندم، امیرالمؤمنین (ع) به من فرمود: پسر عباس! اگر من آنچه در هفت آیه سوره حمد است، از «ب» «بِسْمِ اللَّهِ» تا «وَلَا الضَّالِّينَ» را برای شما بگویم و شما هم گفته های من را بنویسید، و بعد از این که من پایان کلاس را اعلام بکنم، هفتاد شتر جوان را باید بیاورید تا این نوشته ها را بار کنید تا بتوانید آنها را با خود ببرید. «1» زینب کبری (س) دختر يك چنین مفسر قرآنی است. بنابراین، معلوم است از قرآن چه چیزی پیش زینب کبری (س) بود. این توصیف يك کلاس زینب کبری (س) است. کلاس دیگری که وجود مقدس زینب کبری (س) داشتند، کلاس فقه بود. فقه دریای وسیعی است. يك طلبه ما در قم، وقتی فقیه کامل و مدرّس فقه می شود که هشتاد و چهار باب فقهی را در هشتاد و چهار عنوان کتاب فقهی به صورت اجتهادی در سی سال شب و روز بخواند،

---

(1) 1. ینابیع الموده، ج 1، ص 205.

## نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 18

ولی همه این دریای فقه، پیش زینب کبری (س) بود که اگر گفته‌های ایشان را در این کلاس ثبت کرده بودند، باور کنید در مسایل فقهی، هشتاد درصد کار مراجع ما، با گفته‌های زینب کبری (س) آسان شده بود؛ چرا که او خودش چشمه صافی برای فقه بود، اما مراجع ما الآن کنار چشمه گل‌آلود هستند. اگر این بزرگوران بخواهند در مسایلی از فقه در روایات غور و بررسی کنند و فتوا بدهند، ممکن است ده تا روایت ساختگی در آن روایات باشد، و وجود چنین امکانی، بخش روایات را گل‌آلود کرده است. حالا مراجع ما باید بنشینند و این روایات را ارزیابی کنند و بر اساس روایت صحیح، به میلیون‌ها نفر شیعه فتوا بدهند؛ برای همین برای به دست آوردن روایت صحیح در این چشمه گل‌آلود، گروهی آمدند و روایات را تقسیم‌بندی کردند؛ اخبار و احادیث را تقسیم‌بندی کردند؛ خبر متواتر، خبر صحیح، خبر حسن، خبر مسلسل، خبر مسند، خبر مرسل، خبر ضعیف، خبر موثق، خبر مجهول. در مجموعه این اخبار، این تقسیم‌بندی نیز

## نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 19

وجود دارد: خبر عامی، خبر خاصی (امامی)، خبر مطلق، خبر مقید، خبر مخصّص، خبر ناسخ. يك مرجع چقدر باید زحمت بکشد که از میان این چشمه، یا به يك خبر متواتر، یا به يك صحیح، دست پیدا کند و بعد، بر اساس آن فتوا بدهد.

روشنفکرها خیال می‌کنند، فتوا دادن کار خیلی ساده‌ای است، می‌گویند، خودمان می‌بینیم و می‌گوییم. من می‌گویم: شما چه چیزی را می‌بینید و می‌گویید. دیدن شما دیدنی علمی نبوده و گفتنتان هم گفتن حق نیست. آخر شما چه چیزی را می‌بینید و چه چیزی را می‌گویید؟ اگر به شما يك کتاب حدیث بدهند، هیچ تخصصی در شناخت احادیث آن ندارد. شما چه شناختی دارید؟ برای شناخت يك روایت، حداقل مانند آیت الله العظمی بروجردی 1 باید درباره چهارده هزار راوی شناخت داشته باشید. شما درباره دو نفر از آنها هم شناخت ندارید. این مرد در هشتاد و هشت سالگی، چهارده هزار راوی حدیث را که در کتاب‌ها دسته‌بندی کرده بود، در ذهن داشت و همه این راویان را

## نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 20

می‌شناخت که روایت کدام‌ها قابل قبول است، و کدام‌ها مورد اعتماد هستند و کدام‌ها قابل رد هستند، و کدام‌ها مجهولند. کدام‌ها غیرثقه هستند. کدام‌ها ثقه هستند. کدام‌ها مطمئن هستند. شما چه می‌دانید این حرف‌ها را و این که

چگونه باید در مورد يك راوی ارزیابی بشود. دین را باید عالم ربانی به مردم بدهد، نه يك روشنفکری که از فرهنگ اروپایی ارتزاق کرده، نه روشنفکری که در آمریکا تربیت شده است. دین را باید تربیت شده قم، مشهد و نجف به مردم بدهد.

چنان که گفته شد، حضرت زینب 1 فقه می گفت و خودش چشمه زلال این علم بود. کلاس دیگرشان هم کلاس اخلاق بود؛ کلاس تربیت نفوس، کلاس تزکیه نفوس، به تعبیری کلاس آدم سازی. با توجه به این که وجود مقدس خودشان، مجسمه کامل اخلاق بودند.

برایم خیلی مهم بود که در سوریه، در یکی از کتابخانه های آن جا، این قسمت از زندگی ایشان را در کتابی که در شرح حال زینب کبری (س) بود،

### نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 21

دیدم. در تحلیلی که در يك بخش این کتاب آمده بود، راجع به دانش، بصیرت و علم زینب کبری (س) بحث می کرد که به نظر من مطالب مهم و ارزنده ای داشت.

### حماسه زینب کبری (س)

اما در باره برخورد ایشان با حادثه کربلا، خیلی ساده و آسان می گویم که برخورد زینب کبری (س) در این رابطه، برخوردی صابرا نه بوده است.

اما این صبر در زینب کبری (س) چگونه بوده؟ او سخت ترین، سنگین ترین، دردناک ترین و رنج آورترین حادثه تاریخ را دیده است. آن هفتاد و دو نفر که از دنیا بریده و شهید شدند و به خدا پیوستند، تمام سنگینی بار این حادثه روی دوش زینب کبری (س) آمد، به انضمام این که از طرف برادر مأمور شد، هشتاد و چهار داغ دیده را از کربلا تا شام و از شام تا مدینه سرپرستی کند، این همه

### نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 22

مصیبتها را زینب (س) تحمل کرد، و با مدیریت مدبرانه اش پیام شهدای کربلا را به گوش همگان رسانید. آن حضرت (س) با این حادثه، برخوردی الهی کرد و از زمان وقوع این حادثه تا روز وفاتش، برای يك بار، به خاطر حادث کربلا نفسی که

بوی گلایه و شکایت از خدا را بدهد، از دل نکشید؛ بلکه کنار حادثه تلخی به این وسعت، شاکر بود. چه کسی این تحمل را داشت کنار چنین حادثه‌ای بنده شاکر پروردگار باشد. ابن‌زیاد وقتی درباره‌اش به مسخره به زینب کبری (س) گفت، رفتار خداوند را نسبت به اهل بیت چگونه دیدی؟ یعنی دیدی که خداوند ما را پیروز کرد و شما قطعه قطعه و متلاشی شدید. جواب داد: «وَمَا زَايْتُ إِلَّا جَمِيلًا». جز رفتاری زیبا و نیک از خداوند ندیدم «1»؛ یعنی خداوند امامت را با شهادت در هم آمیخت و بالاترین زیبایی را درست کرد؛ چنان‌که

---

(1) 1. ابن‌نما حلی، مشیرالاحزان، ص 71.

### نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 23

با این آمیزش، برای ما چهره‌ای زیباتر از یوسف (ع) را به وجود آورد. در روز یازدهم با چه تحمل مثبتی و با چه صبر ملکوتی و عرشی آمد و دو دست مبارکش را زیر بدن قطعه‌قطعه شده اباعبدالله (ع) برد و با یک دنیا ادب به سمت آسمان برگشت و به پروردگار گفت: «اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا هَذَا الْقَلِيلَ الْقُرْبَانَ». خدایا! این اندک را به عنوان قربانی که اصلاً تناسبی با عظمت خدایی تو ندارد، از ما قبول کن. «1» ما یک چیزی می‌گوییم و یک چیزی را می‌شنویم که اگر یک میلیونیم آن بر سر خودمان بیاید، آن وقت باید ببینیم چه کاره هستیم؟ در این موقعیت، عبادت و صبر در ایشان جمع شده بود. امام صادق (ع) این موقعیت را چنین توصیف می‌کند: عمه جان! عصر عاشورا تمام فرشتگان خدا از مقاومت، صبر و ایستادگی تو شگفت‌زده شدند؛

---

(1) 1. شیخ محمد مهدی حائری، شجره طوبی، ج 2، ص 294 ..

### نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 24

عنی نتوانستند هضم بکنند که انسان هم این قدر عظیم است. به خدا قسم! راحت می‌توانم بگویم آن زمانی که خدا به ملائکه خبر داد: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً.» «1»

ملائکه برگشتند و گفتند: «أَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ.» «2» خدا به آنها فرمود: «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» «3»: من از آفرینش این انسان چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید، و آنان نمی‌دانستند.

تا عصر عاشورا که خدا برگشت به ملائکه گفت: زینب (س) را ببینید، من این را می‌خواستم خلق کنم: «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ.» «4» چند میلیون سال قبل هم حالا برای شما روشن شد که خلیفه یعنی چی؟ انسان یعنی چی؟ که یک خانمی که دنیای

(1) 2. بقره: 30 ..

(2) 1. همان.

(3) 2. همان.

(4) 3. همان.

نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 25

عاطفه و رأفت قلب است، در يك نصف روز، هفتاد و دو نفر را جلوی چشمان او سر ببرند و قطعه قطعه کنند و بعد بیاید کنار این بدن‌های پاره پاره بنشیند و بگوید: «اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا هَذَا الْقَلِيلَ.» این است، «أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ». به خدا قسم! شب یازدهم، برای آن حضرت، يك ذره از کیفیت عبادتش با شب‌های مدینه فرق نکرد. این شب هم سکینه کبری (س) می‌گوید، عمه‌ام کنار آن خاک‌های بیابان، سحر مشغول نماز شب و مناجات بود؛ یعنی با بودن این حادثه، از پروردگار کمال رضایت را داشت.

حکومت الهی زینب کبری (س)

اما راجع به سرپرستی او باید گفت، شما می دانید که اهل بیت: را از چه مسیری به شام بردند. آن دژخیمان اهل بیت: را از مسیر طبیعی عراق به شام نبردند؛ بلکه آنان اهل بیت: را در حالی که جلوی محملها 18 سر بریده را بر بالای نیزهها زده بودند، از منطقه موصل و حدود کرکوک، مرز روم شرقی،

### نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 26

ترکیه آن زمان، به دمشق بردند؛ یعنی از مناطق کردنشین و ترک نشین که آن وقت این ترکها و کردها اغلب مسیحی بودند. بعد در این شهرها اعلام می کردند و به خاطر یزید، این اکراد و این اترک مسیحی بیرون می ریختند و سرود می خواندند؛ پایکوبی می کردند؛ به زن و بچه داغدیده سنگ می زدند چوب پرت می کردند. اینها را تا دمشق این گونه بردند.

هر جایی هم که آنها را پیاده می کردند، خود لشکر یزید آشپزخانه مفصلی بر پا می نمود. اما اهل بیت: به يك ذره نان خشك قناعت می کردند و سختی را تحمل می نمودند. تا این که به شام رسیدند. یزید سؤال می کند، اینها از کربلا تا این جا چه عکس العملی داشتند؟ در پاسخ گفتند: دو عکس العمل داشتند. یکی این بود که به ما جز آقایی و کرامت نشان ندادند و از کربلا تا شام، نه بچه دو و سه ساله آنها، و نه زن شصت و هفتاد ساله آنان، و نه این جوان بیمار آنها، يك تقاضا هم از ما نکردند و ما را از سگ کمتر حساب

### نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 27

کردند. این يك عکس العمل. عکس العمل دوم آنها هم این بود که با این سختی راه، گرسنگی و تشنگی هر جا آنها را پیاده کردیم، یا مشغول به خواندن قرآن شدند، یا عبادت کردند، یا صورت روی خاک گذاشتند و به مناجات برخاستند. این حکومت زینب کبری (س)، در يك ملت هشتاد و چهار نفر است. اگر حکومت، حکومتی الهی باشد، از حکمرانانش، چیزی جز آقامنشی و بندگی خدا، برای مردم ظهور نمی کند. اگر حکومت، این حکومت نباشد. البته، باید این همه فساد رواج سیلوار پیدا کند.

اما چنان زیبا زینب کبری (ع) بر این ملت الهی هشتاد و چهار نفره حکومت کرد که این ملت دشمن را از سگ، کم تر حساب کردند و لحظه ای هم از عبادت خدا غافل نشدند.

ما زمان شاه وقتی می خواستیم به حکومت انتقاد کنیم، اسم شاه را که نمی بردیم و به جای اسم شاه، اسم معاویه، یزید، ابوبکر، عثمان و اینها را می بردیم. ساواکیها پای منبر می فهمیدند ما چه



## نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 28

داریم می‌گوییم. ما که کنایه می‌زدیم، روز بعد به در خانه ما می‌آمدند که ساواک شما را خواسته است، یا چهار روز بعد می‌آمدند در خانه ما چشممان را می‌بستند و می‌بردند و به زندان می‌انداختند. در طول عمرمان خود شاه را هم ندیدیم، و اگر رو در رو او را می‌دیدیم، معلوم نبود بتوانیم از او انتقاد کنیم. قدرت یزید هزار برابر قدرت شاه بود. وسعت کشورش هم بیست برابر وسعت ایران امروز، پهناوری داشت. حالا در بارگاه یزید، خانی داغ‌دیده و اسیر را آوردند و با این قدرت عظیم آن روز رو به رو کردند. زینب کبری (س) از جا بلند شد و به شاه گفت، به شاهی که صد برابر شاه کشور ما قدرت داشت: «ی ابن الطلقاء» «1»: ای فرزند بردگان و غلامان آزاد شده! پسر مردمان پست! پسر مردمان لعین! پسر مردمانی که بچه‌هایشان انتساب درستی نداشتند و نمی‌شد

---

(1) ابن طیفور، بلاغات النساء، ص 22.

## نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 29

گفت که مادرشان این است و پدرشان این! تو از چنین خانواده‌ای هستی. ای نسل نامعلوم! «یابن الطلقاء!»: فرزند غلامان آزاد شده! پسر مردمان پست! آنچه نقشه داری به کار بگیر و هر اسبی داری بتازان، اما من اسیر، مطلبی را از آینده عالم به تو بگویم. یزید! هرچند هفتاد و دو نفر ما را در کربلا قطعه قطعه کردی و نگذاشتی بدن‌هایشان را دفن کنیم، در آینده، این بیابان تبدیل به یک شهری به نام کربلا می‌شود. برای برادرم گنبد و بارگاه و حرم برپا می‌گردد. دل‌های مردم از همه عالم متوجه حرم حسین (ع) ما می‌شود و به آن جا می‌آیند و از خاک قبر حسین (ع) من، برای شفای بیماران و ساختن مهر نماز بر می‌دارند. در آینده، لعنت مردم دنیا متوجه شما می‌شود؛ یعنی زینب کبری (س) یزید را از غیب خبر داد. یزید مات زده بود و نمی‌توانست به میرغضب بگوید، گردن این زن را بزن. چون حرف‌هایی که زینب کبری (س) زد، برای خودش هم ایجاد مصونیت کرد. اصلاً شام را به هم می‌ریخت. یزید دید

## نگاهی به مقام حضرت زینب (س)، ص: 30

نمی‌تواند زینب کبری (س) را اعدام بکند. این شراخوَرِ سگ‌بازِ میمون‌بازِ متکبّر که از برخورد زینب کبری (س) سخت شکست خورده بود، می‌دانید چگونه تلافی کرد؟ جلوی چشم خواهر، دست برد و چوب خیزران خود را برداشت و به لب و دندان سر بریده حمله کرد. این بچه‌های کوچک دامن عمه را گرفتند و همه فریاد زدند: **واحمداً واعلیاً**. کاری زینب کبری (س) کرد که در تمام حادثه کربلا نکرد. وقتی دید یزید با چوب به لب و دندان سربریده حمله می‌کند، زیر چادر عصمت دست برد و گریبانش را پاره کرد. خیزرانی که یزید بر آن لب می زد، بر دل زینب (س)، نیشتر فرو می‌کرد.